

یعنی با همین یک اکت این کار را می‌کند. اتفاقاً اشتباهی که بازیگران ما می‌کنند این است که احساس می‌کنند که اکت و اکشن خیلی برای در آوردن یک شخصیت مهم است. خیر؛ اگر تحلیل درستی از شخصیت داشته باشی شاید با یک حرکت شخصیت را کامل در آوری، یعنی کل فضای ذهنی شخصیت را به بیننده بگویی. آن حرکت این بود که مالک و سمیرا در کنار هم نشستند و هنوز مالک برای کشیدن خان عمو گرفته است، سمیرا که در کنار او نشسته دارد مستقیم و با خشم به خان عمو در وان نگاه می‌کند و با یک حرکت خیلی تهاجمی حوله را از کنار دست خودش برمی‌دارد و آن را محکم روی پای مالک می‌گذارد. یعنی اگر فقط این اکت را دوباره ببینید کاملاً شخصیت سمیرا تا آنجا در می‌آید و به همین خاطر است که می‌گوییم خیلی تلاش کرده تا به نقش برسد. من احساس می‌کنم که ادامه‌ی این شخصیت و ادامه‌ی کار با بازی که آزادی‌ور دارد در قسمت‌های بعدی یک مقدار از ضرب این شخصیت در ذهن تماشاگر کم می‌کند. همان طور که گفتیم تمام تلاشش را کرده برای اینکه به شخصیت سمیرا نزدیک شود و تا جایی که توانسته هم نزدیک شده اما از یک جایی به بعد دیگر تبدیل به تیپ می‌شود. دیگر من باور نمی‌کنم که برای مثال ده بار شوهرش را کتک بزند و احساس کار یک‌تور به من دست می‌دهد. یعنی می‌خواهم بگویم که وقتی تحلیل درست از شخصیت وجود داشته باشد با یک اکت کل شخصیت را در آورده است. اما به نظر من اتفاقاً ادامه‌ی کار تماشاگر را آرام آرام از آن شخصیت دور کرده است. من در چند قسمتی که دیدم به این نتیجه رسیدم ولی واقعیت این است که از این نظر که در اینجا معنا آزادی‌وری را می‌بینیم که با بقیه‌ی فیلم‌هایی که بازی کرده متفاوت است، قابل تحسین است و به هر حال تلاش شخصی بازیگر است برای اینکه به یک مطلوبی که در ذهن خودش و کارگردان است برسد اما ادامه‌اش به نظر من یک مقدار زیاده‌روی در کار کردن با کاراکتر و معکوس عمل کردن و کاراکتر را به سمت تیپ بردن است.

**با توجه به خصوصیات که در «لیدی مکبث» شکسپیر می‌خوانیم آن خصوصیات با وجود اینکه با بازی تیبیکال سمیرا همراه است اما آیا خصوصیات نمایشنامه‌ای آن را یعنی طمع، قدرتمند و روان پریشی بودن را متبادر می‌کند؟**

این کار یک مقدار زیادی با شخصیت لیدی مکبث متفاوت تر شده است چرا که در اینجا با یک ساختار سریالی طرف هستیم. وقتی نمایشنامه‌ی شکسپیر را می‌خوانیم و یا فیلم

«مکبث»، «سریر خون» و فیلم‌هایی که از روی مکبث اقتباس شده‌اند را می‌بینیم با یک زمان صد و ده، بیست دقیقه‌ای طرف هستیم که شخصیت در آن محدوده زمانی باید ساخته شود و در نما یشتنامه هم ساخته و پرداخته شده است. وقتی تبدیل به سریال می‌شود، همین معضلاتی را به وجود می‌آورد که من به آن‌ها اشاره کردم. وقتی بلد نباشی کاری مثل «مکبث» را که البته از روی کتاب محمود حسینی زاد اقتباس شده، به سرانجام برسانی؛ آرام آرام شخصیت را از دست می‌دهی. طبق آن چیزی که در ذهن من است این لیدی مکبث در واقع یک کاریکاتوری از لیدی مکبث یعنی همان زن طماع و قدرت پرست با نمودهایی که از آن نام بردید است. من تصور می‌کنم که طولانی بودن سریال و اجبار کارگردان به ساختن این شخصیت در قسمت‌های متفاوت، باعث کم‌رنگ شدن اثر خود لیدی مکبث شده است و لیدی مکبثی که ماقرار است آن را در قالب رعنا آزادی‌ور ببینیم، کارگردش کم‌رنگ شده است. شاید این تحلیلی که مشخصاً از سمت کارگردان به باز یگر رسیده باعث این قضیه شده باشد و اگر نه به نظر من خود آزادی‌ور حداقل تلاشش را کرده که بتواند به این شخصیت نزدیک شود و حتی در جاهایی هم نزدیک شده است که به مثال‌های اشاره کردم اما از یک جایی به بعد به نظر من دیگر زیادی به تیپ نزدیک می‌شود.

**یک نکته‌ی بسیار مهمی که وجود دارد و گاهی مآن را روی صحنه‌ی تئاتر باز آفرینی «مکبث»، دیده‌ایم، این است که شخصیت‌ها در نمایشنامه شاید به سبب ویژگی‌های روانی اغراق آمیزی که دارند گاهی ممکن است که به تیپ نزدیک شوند اما در «زخم کاری» نظرات برخلاف نظر شما بر این است که شخصیت‌ها تا حدودی شکل گرفته‌اند و تیپ را فقط گاهی در بازی سعید چنگیزیان می‌بینیم. نظر شما در رابطه با این مسأله چیست؟**

سه، چهار نقش اصلی داریم و بقیه‌ی نقش‌ها، نقش‌های فرعی هستند. برای مثال نقش وکیل و مباشر و ... نقش‌های فرعی هستند که به قول یکی از اساتید طناز سینما این فقط یک فیلم است و خیلی جدی نگریده! این‌ها هم احتمالاً همین‌طور بوده‌اند. یعنی در همان قاعده و چارچوب، نقشی که به آن‌ها داده شده را بازی کردند و خیلی هم انتظاری ازشان نیست. در واقع مادر این بین سه، چهار نقش اصلی داریم که واقعیتش من فقط می‌توانم به نقش سیاوش طهمورث اشاره کنم که در دو قسمت کاملاً کاراکتر را در آورد. یعنی ما الان حتی وقتی او را نمی‌بینیم باز هم حضورش را احساس می‌کنیم. یعنی می‌خواهم بگویم که یک چنین قاعده‌ای در ایفای نقش وجود دارد



**بازی سعید چنگیزیان خیلی به وجه تکنیکی یک بازیگر نزدیک است و کاملاً تکنیکی بازی کرده ولی واقعیتش این است که حتی به او هم اگر بخواهیم نمره بدهیم ممکن است که از صد؛ نمره‌ی شصت و پنج، هفتاد را بگیرد. یعنی سطح بازیگری برای این کار برخلاف دوستان دیگر وجود دارد**

که ایشان هم در این فضا بسیار کار کشته است. در واقع طهمورث در تحلیل نقش می‌داند که از چه زاویه‌ای باید به نقش نزدیک شود. واقعیتش را بگویم، حتی در نقش‌های اصلی شاید من در یکی، دو قسمت اول؛ آن تأثیر گذاری و بتکی که باید در ذهن تماشاگر بزنند را دیدم اما در بقیه‌ی قسمت‌ها و در بعضی جاها دیگر خیلی خنده‌دار می‌شود. برای مثال مخصوصاً بازی میثم و مانده که از کاریکاتور هم می‌گذرد و به کم‌دی نزدیک می‌شود. به طور کلی در قسمت‌های اخیر تیپ بیشتر از شخصیت نمود پیدا کرده است و اگر تا آخر همین طور پیش برود به نظر من کلاً کار از دست می‌رود. یعنی هیچ چیزی را نمی‌توانیم برای آن متصور شویم چرا که در حال حاضر شخصیت‌ها کاملاً تبدیل به تیپ شده‌اند.

### وسعید چنگیزیان ...

اتفاقاً سعید چنگیزیان به نظر من در کلیت کار از یکی، دو بازیگر دیگر بهتر بازی کرده است. یعنی ضعف شخصیتی که آن آدم دارد، توسری خور بودن و همه‌ی این‌ها را به نظر من با توجه به سابقه‌ی تئاتری که دارد درست ایفا کرده و من در کارهای تئاتری که از او روی صحنه دیده‌ام بسیار درخشان ظاهر شده است. به نظر من چنگیزیان در بین این بازیگرها از بقیه تکنیکال تر بازی کرده است. بازی او خیلی به وجه تکنیکی یک بازیگر نزدیک است و کاملاً تکنیکی بازی کرده ولی واقعیتش این است که حتی به او هم اگر بخواهیم نمره بدهیم ممکن است که از صد؛ نمره‌ی شصت و پنج، هفتاد را بگیرد. یعنی سطح بازیگری برای این کار برخلاف نگاهی که احتمالاً در دوستان دیگر وجود دارد؛ به غیر از یکی، دو نقطه مثل سعید چنگیزیان یا سیاوش طهمورث اتفاقاً خیلی بالا نیست. یعنی